

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۲۰ دسمبر ۲۰۱۵

داعش چراغ سبز سرمایه

رواج خشونت، استثمار و چپاول کارگران و زحمت کشان، لشکرکشی و جنگ طلبی، از زمره شاخصه های قدرت مداران بین المللی ست. جهان سرمایه داری را نمی توان در خلاف موارد فوق توضیح داد، تقابل های مابین خودی های شان هم، جز اعمال هژمونی و سهم بری بیشتر، و جز اراده بهتر دم و دستگاه های سود ده نیست. در پرتو چنین بستری ست که، بر حملات خود می افزایند و انسان های بیشتری را به کام مرگ می کشانند. چند سالی ست که مزورانه افکار عمومی را با شعار "مبارزه با تروریسم" و داعش، سر گرم و منحرف نموده اند، دولت های متفاوت، به منظور حمله به "تروریسم" انتخاب و یکی پس از دیگری هم به کمپ آنان می پیوندند. ائتلاف های تازه و اسلامی را شکل داده اند، چرا که بنابه گفته وزیر دفاع امریکا (اشتون کارتر)، "مبارزه" با داعش، با جمعیت بیست میلیونی در عراق و سوریه، به سادگی ممکن نیست و باید اجماع بین المللی ایجاد شود.

براستی که از عجایب است، دولت ها و ارتش های منظم را بدون اجماع جهانی، سرنگون و تار و مار نمودند، اما، نابودی جرثومه های فساد و تباهی همچون داعش، نیازمند "اتحاد و یگانگی" بیش از این قدرت مداران بین المللی و دولت های وابسته بدانان می باشد. انصافاً که دغل بازی های حاکمان غیر قابل توصیف و توضیح است، در این میان، چنانچه بخواهیم، وضعیت و نابسامانی های موجود و به تبع آنها، وجود جنگ های منطقه خاورمیانه و به ویژه - و این روزها -، در سوریه را مورد بازنگری قرار دهیم، به این جمع بندی دست خواهیم یافت، که، ورود دولت مردان جهانی، به سوریه و بمباران روزانه این کشور، نه تنها در جهت نابودی فی البداهه داعش نیست، بل در تقویت آن و همچنین در خدمت به اهداف ستراتیژیک امریکا و دیگر سرمایه های جهانی ست.

حدوداً دو سالی ست که داعش را علم نموده اند تا برنامه های خود را در منطقه خاورمیانه پی گیرند؛ امکانات مالی، منطقه ئی و نظامی، در اختیارش قرار داده اند، تا جنگ های درازمدت خود را دنبال نمایند؛ راه های درآمد و تحویل گیری سلاح های گشوده را برایش هموار نموده اند، تا دوام شعله های جنگ را تضمین نمایند. به خاطر این که، در پرتو و از قبل جنگ است که، سودهای کلان به جیب می زنند. در حقیقت بر افروختن هر چه بیشتر جنگ های ویران کننده، از اهداف آنی و آتی سرمایه داران بین المللی ست، روشن شده است که جنگ - و راه اندازی جنگ های تازه تر -، یکی از ممر درآمد و پُر سود طبقه سرمایه دار می باشد.

به دُروغ، نیروها و دسته جات مسلح و ارتجاعی همچون داعش را به عنوان یگانه - و اصلی ترین - نیروی مرتجع و ناامن بشریت، به دنیا معرفی می کنند؛ داعشی که ساخت و پاخت قدرت مداران جهانی و آنهم به سرکردگی امپریالیسم امریکاست، طبعاً برای میلیون ها انسان دردمند معین شده است، که داعش - و داعشیان - از تبار سرمایه اند و جنگ آنان با قدرت مداران بین المللی هم، بر سر چپاول بیش از این منابع سرشار و غنی منطقه خاورمیانه می باشد؛ معین شده است که ساخت و سازها و تکیه گاه های نیروهائی همچون داعش، بر گرفته از انرژی و آرمان توده ئی نیست، و بی دلیل هم نیست که در هیچ سوی طرفین جنگ، مردم کمترین دخالت و سهمی ندارند و همواره و همواره، به عنوان قربانیان و گوشت دم توپ سرمایه و بانیان جنگ های امپریالیستی به حساب - آمده و - می آیند. بنابراین، خطاست که مبارزه با داعش را، خارج از مؤلفه های فوق، و خارج از بازیگر سیاسی - نظامی این دوره از سرمایه و خارج از اجرای سیاست های جنگی امپریالیست ها، تقسیم بندی ها و همچنین انجام وظایف تازه تر، مابین خودی های شان توضیح دهیم. بدون کمترین تردیدی داعش در این مرحله از سیاست های امپریالیستی در منطقه، نقش چراغ سبز سرمایه داران بین المللی را ایفاء می کند و متعلق به بالائی هاست. فروش حداقل پانصد میلیون دالر نفت در سال به دولت های منطقه و تأمین بیست درصد از برق سوریه توسط این نیروی به اصطلاح متضاد با منافع سرمایه داری، مراوده روزانه با دولت هائی همچون عربستان، قطر، ترکیه و غیره، نمایانگر این حقیقت است که سیاست های داعش، در روبروئی با برنامه های آنی قدرت مداران بین المللی در منطقه خاورمیانه - نبوده و - نمی باشد. با این اوصاف هموائی با ژورنالیست های سرمایه، و ورود به شلوغ بازی های سیاسی و معرفی دشمنان فرضی سرمایه به دنیای بیرونی، ناصحیح است، نمی بایست و نباید، بر این نظر اصرار داشت که دشمن اصلی مردم، و همچنین سد راه و پیشرفت جوامع منطقه خاورمیانه، نیروهائی همچون داعش اند.

به بیانی روشن تر و دیگر، نه تنها داعش، بلکه تمامی دولت های منطقه با دم و دستگاه های عریض و طویل شان، فاقد اتوریته لازم و فاقد استقلال سیاسی در برابر قدرت مداران بین المللی اند؛ دولت ها، نیروها و دست جات وابسته ای که، به مانند تمامی کالاهای امپریالیستی، دارای تاریخ مصرف اند، و روز روزگاری، بنابه منفعت و مصالح سرمایه به کنار گذاشته خواهند شد، کمترین ضمانتی، در دوام حاکمیت شان از جانب قدرت مداران بزرگ نیست. افغانستان، عراق، مصر، لیبیا و غیره، از این دست نمونه ها هستند و همچنین تعیین و تکلیف، با دولت **بشار اسد** و نیروهای درگیر با آن در اجلاس وین، ترکیه و نیویورک، و متعاقباً کج نمودن مسیر جامعه سوریه، به مسیر توافقات و تصمیمات تازه قدرت مداران بین المللی، گواه و سندی بر این ادعاست که، هدف، گردش بهتر سیاست های جنگی امپریالیست ها در منطقه خاورمیانه می باشد؛ چرا که الگوهای قدرت مداران بین المللی، علی رغم اختلافات جزئی، افزایش بودجه های نظامی، فروش سلاح های مدرن و انعقاد قراردادهای کلان تازه و نظامی، به دولت های منطقه و آنهم به بهانه مقابله با "تروریسم" و هر چه بیشتر میلناریزه نمودن فضای جهان کنونی و به ویژه منطقه خاورمیانه به منظور جلوگیری از هر گونه جنبش های اعتراضی رادیکال است. سیاست هائی که نمادهای عملی آن را می توان در گوشه های متفاوت جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه به عینه مشاهده نمود و نشان داد که، هیچ یک از سوهای تضاد و جنگ، طرف مردم - نبوده و نیستند، در گُشتار و در سلاخی نمودن توده های محروم، از همدیگر پیشی می گیرند؛ کُشت و کُشتاری که، نمودار و یادآور، جنایات سربازان فرانسوی در قبال استقلال طلبان و آزادیخواهان الجزایری در دهه پنجاه و شصت میلادی ست.

با این اوصاف، به جرأت می توان گفت که، داعش مشغول همان سیاست و اعمالی ست که سربازان امریکائی در ویتنام، بدن ویت کنگ ها را از دهه پنجاه الی هفتاد، تکه تکه و به منظور مرعوب نمودن توده ها، به سر نیزه های شان

وصل می نمودند؛ داعش همان روش و متدی را در برابر مخالفان خود پیشه ساخته است، که شکنجه گران و حامیان سرمایه های امپریالیستی، بر سر زندانیان ابو غریب و غیره روا داشته اند؛ داعش پیگیر همان اسلوب و سیاستی ست، که امروزه در سرتاسر دنیا، جهان انسانی و آنهم در ابعادی دهشتناک تر با آنها رو در روست. در یک کلام داعش محصول منفعت سیاسی، اقتصادی و جنگی این دوره از سرمایه های امپریالیستی ست، بی دلیل هم نبوده و نیست که «مایکل فلین» مدیر آژانس اطلاعات دفاعی سابق امریکا گفته است که "این گروه تروریستی هر قدمی که بر می دارد، کاملاً هدفمند بوده و در چارچوب ستراتیژی منطقه ئی ایالات متحده است". ستراتیژی هائی که، اثر بس سنگینی بر فضای منطقه گذاشته است و زندگی را به کام میلیون ها انسان دردمند تلخ و همچنین باعث آوارگی میلیون ها انسان از خانه و کاشانه شان گردیده است.

حقیقتاً و روز به روز، اهداف پس پرده جنگ های به راه افتاده منطقه خاورمیانه، برای جوامع انسانی، آشکار و آشکارتر می شود. جنگ هائی که بنابه شواهد و ادله های موجود، هدف و سمت و سوبش، نه کاهش و خاموشی، بل در گسترده گی هر چه بیشتر آنها می باشد؛ از شواهد پیداست که هدف، نه تضمین امنیت و آسایش مردمی، بل به جان هم انداختن محروم ترین اقشار جامعه و همچنین در همه گیرتر نمودن جنگ های قومی - قبیله ئی، به جنگ شیعه با شیعه، سنی با سنی، کُرد با کُرد می باشد، بی دلیل هم نیست که اوپاما اخیراً اعلام نموده است "جنگ داعش اسلام را نمایندگی نمی کند و این نبرد میان امریکا و اسلام نیست. امریکا نیروی زمینی برای شکست داعش نمی فرستد و تنها با حملات هوائی با متحدان ادامه می دهد و از نیروهای محلی و منطقه ئی برای جنگ زمینی علیه داعش استفاده می کنیم" و در چهارچوب چنین سیاستی ست که «جنز ستولتنبرگ»، دبیرکل ناتو هم طی مصاحبه ای با روزنامه سوییسی اعلام نموده است که "اعزام نیروی زمینی به سوریه برای جنگ با داعش را رد می کند و تأکید داشت "ناتو نمی تواند به جای مسلمانان با گروه تروریستی داعش بجنگد و نیروهای محلی را برای این جنگ تقویت می کند".

با این حساب پیام ها و سیاست های آنی، پیرامون "مبارزه" با داعش از جانب قدرت مداران بین المللی به دولت های منطقه اعلام گردیده است به باور آنان، می بایست و باید در این دوره، از بازیگران و از نیروهای محلی و منطقه ئی، به منظور پیشرفت و تضمین درازمدت تر منافع قدرت مداران بین المللی سود جست؛ می بایست و باید مردم منطقه را برای حفاظت از "جان" و "مال" شان، به جان هم انداخت و می بایست و باید، برای دستیابی به دموکراسی و نابودی نیروهائی همچون داعش، از افراد و از اعضای منطقه و در حقیقت از "مسلمین" برای نجات اسلام سود جست!! چرا که نبردها و جنگ های موجود، از زمره "نبرد و جنگ امریکا با اسلام" نیست، بلکه وظیفه مسلمین است، تا اسلام بد را از میان خود برهانند!!

اینها سیاست های جنگی جانیان بشریت به مردم منطقه خاورمیانه است، همچنین فراموش نشده است که چگونه دولت مردان امریکائی، چندین دهه به بهانه دفاع از حقوق انسانی و نابودی "دیکتاتورها"، به کشورها لشکرکشی نموده اند، به دفاع از دموکراسی، زیر ساخت های جوامع منطقه خاورمیانه را به ویرانه، تبدیل ساخته اند، به دفاع از محرومان، خانه های شان را با خاک یکسان نموده اند، و در دفاع از آزادی، مخالفان، مبارزان و کمونیست ها را سرکوب و به دم تیغ سپرده اند و امروزه، اعلام می کنند که، کسب آزادی و حقوق هر ملت و قومی، بر عهده آن ملت و قوم می باشد، وظیفه آنان نیست، تا به جنگ، با پلیدی ها و زشتی ها بروند!!

خلاصه این که قدرت مداران بزرگ، بنابه تجارب تاکنونی و بنابه توافقی تازه تر، به این جمع بند دست یافته اند، که اعزام نیروهای زمینی - خودی -، در جنگ با تجمعات و دسته جات دست سازی همچون داعش، بیش از این، مقرون به صرفه نیست، مقبول تر و با صرفه تر است، تا از انرژی "مسلمانان" و همچنین از عناصر "محلی و منطقه ئی"

برای پیشبرد بهتر سیاست های جنگی استفاده نمایند؛ توافقی که ماحصل آن، به غیر از جابجائی بازیگران اصلی جهانی - منطقه‌ئی به منظور تداوم جنگ های امپریالیستی نیست، همچنین کمترین تردیدی در آن نیست که این نظام ها و دار و دسته های رنگارنگ شان، با هر رنگ و لباسی، اصلاً و ابداً، به درد مردم نمی خورند، وجود و سودشان، در تخریب و در غارت منابع طبیعی جامعه و زندگانی میلیون ها توده دردمند می باشد؛ روشن شده است که، همه و همه، در هر حد و قواره، و در هر مقام و منصبی، از منفعت واحدی پیروی می نمایند و کار و بارشان، تضمین و پایداری منافع طبقه سرمایه داری ست. مضافاً این که روشن شده است "انساندوستی" سرمایه دروغ و تهوع آور می باشد.

روزی ورود به جوامع متفاوت را، در "همکاری"، و در "همیاری" و همچنین در رهائی مردم از دست رژیم ها و دسته جات فاسد و تباهی همچون، صدام، مبارک و قذافی، طالبان، القاعده، اخوان المسلمین، انصارالله و امثالهم توضیح می داده اند و این روزها، پایه سیاست های شان را اینگونه چیده اند، که، آزادی و رهائی جوامع و نابودی دست جات مرتجعی همچون داعش، بر عهده توده های " محلی و منطقه‌ئی ست! ریاکاران و سیاست شان، شعله ورتن نمودن جنگ های ارتجاعی، به جان هم انداختن توده های محروم منطقه خاورمیانه است، بی گمان عقیم گذاشتن سیاست های جنگی امپریالیستی، در گرو سازماندهی و در گرو سامان دادن به انرژی و نیروی معترض توده‌ئی، و مهمتر از همه اینها، در گرو تحرکات سازمانیافته نیروها و جریانات مدافع کارگران و زحمت کشان می باشد. انقلاب و جوامع ناامن خاورمیانه، به مانند دیگر مناطق جهان، در انتظار و در عروج سیاست های تعرضی، بُرنده و رو در روی کمونیست ها و انقلابیون می باشد. واقعیت این است که زمانی می توان از شر مصائب کنونی و جنگ های خانمانسوز و امپریالیستی خلاصی یافت، که توده ها را حول برنامه و سیاست های عملی سازمان داد؛ برنامه ها و سیاست هایی که متضمن رهائی میلیون ها توده ستمدیده، و همچنین متضمن امنیت جامعه می باشد و تردیدی در آن نیست، که کوتاهی در انجام چنین وظایف بدیهی، سمت و سوی دیگر جوامع خاورمیانه، همان مسیر و سوئی را طی خواهند کرد، که ما امروزه، به طور فجیع و دردناکی در عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه، شاهد آنیم.

۱۹ دسمبر ۲۰۱۵

۲۸ آذر [قوس] ۱۳۹۴